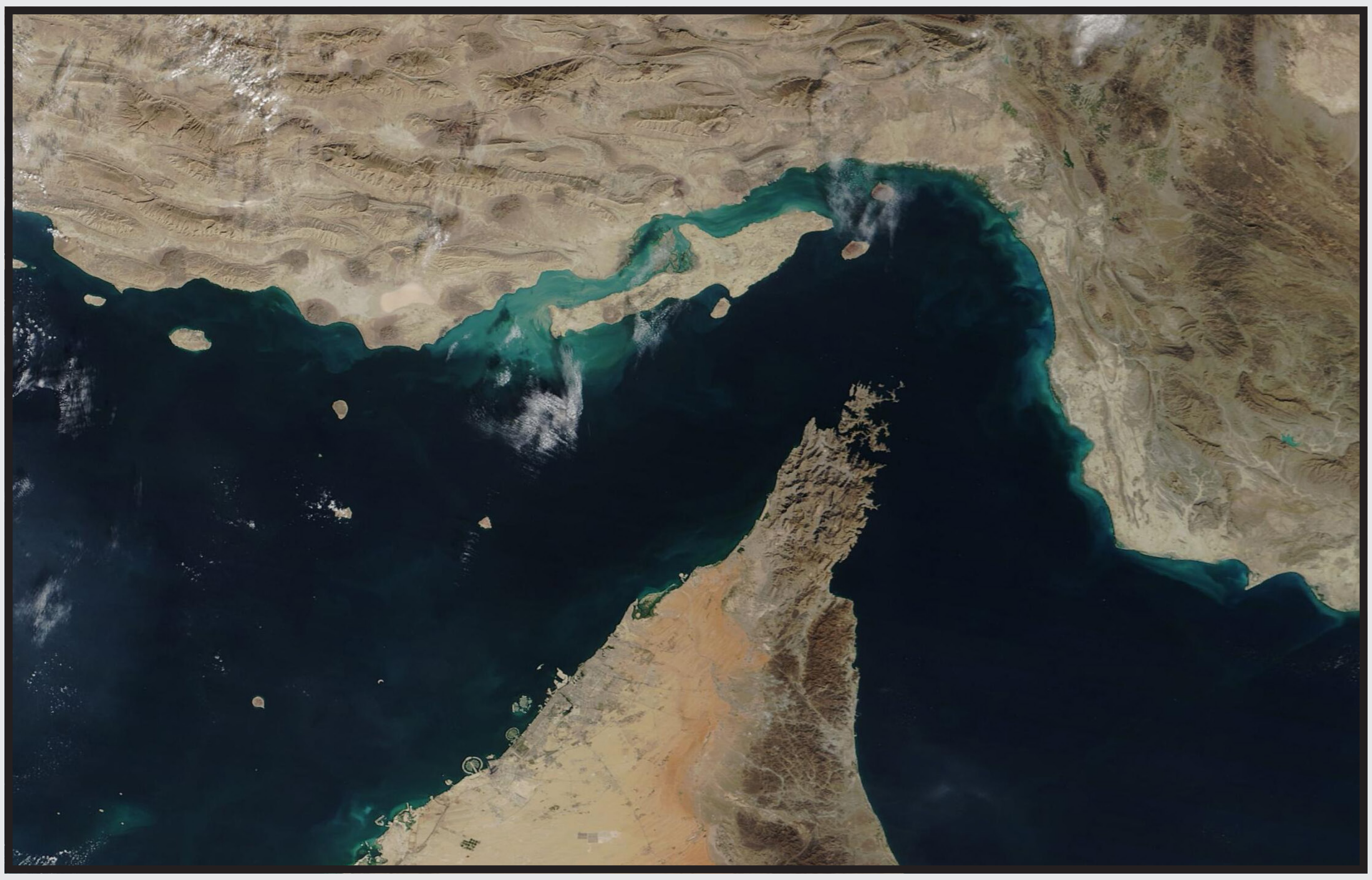

پس از آن صنایع وابسته به مواد شیمیایی و سپس صنایع متکی بر برق همچون فلزات و کانی‌های غیرفلزی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. در جهانی که زنجیره‌های تأمین به‌شدت درهم‌تنیده‌اند، این اختلالات به‌تدریج در سراسر اقتصاد جهانی گسترش یافته و سرعت مبادلات کالایی و سرمایه‌ای را کاهش می‌دهد.

امنیت انرژی در تنگنای ژئوپلیتیک

چشم‌انداز امنیت انرژی جهانی در صورت تداوم یا تشدید بحران خلیج فارس، بیش از هر زمان دیگر در گرو سه متغیر کلیدی است: مدت اختلال در تنگه هرمز، گستره آسیب به زیرساخت‌های انرژی، و میزان هماهنگی قدرت‌های بزرگ در مهار بحران. هر یک از این عوامل، به‌گونه‌ای مستقیم بر ثبات عرضه و قیمت جهانی انرژی تأثیر می‌گذارند. در کوتاه‌مدت، ابزارهای مدیریت بحران محدودند؛ اما اقداماتی همچون آزادسازی ذخایر راهبردی، کنترل تقاضا و تنوع‌بخشی به مسیرهای واردات می‌تواند تا حدودی اثر شوک عرضه را مهار کند.

با این حال، در افق بلندمدت، مسیر آینده امنیت انرژی جهان بیش از هر چیز به نوع برداشت دولت‌ها و بازارها از ماهیت این بحران بستگی دارد. اگر این وضعیت صرفاً به‌مثابه رخدادی موقت تعبیر شود، بازار جهانی انرژی به‌تدریج به تعادل بازمی‌گردد؛ اما اگر به‌عنوان ریسکی ژئوپلیتیک و ساختاری درک شود، جهان ناگزیر به سمت سرمایه‌گذاری گسترده‌تر در انرژی‌های پاک، تنوع مسیرهای ترانزیت و تقویت زیرساخت‌های منطقه‌ای حرکت خواهد کرد. در چنین فضایی، بازتعریف دیپلماسی انرژی-در سطوح جهانی و منطقه‌ای-ضرورتی انکارناپذیر است. ایران با بهره‌گیری از دیپلماسی فعال، توسعه پایگاه‌های انرژی و اصلاحات درونی می‌تواند جایگاه خود را از حاشیه عرضه به قلب معادلات امنیت انرژی جهان ارتقا دهد.

فراتر از نفت، فراتر از جغرافیا

اهمیت تنگه هرمز نه‌تنها به عبور نفت خام وابسته نیست، بلکه به طیفی از جریان‌های حیاتی انرژی و مواد خام گره خورده است؛ جریان‌هایی که هرگونه اختلال در آن‌ها می‌تواند پیامدهایی فراتر از تصور بر اقتصاد جهان برجای گذارد. سید حمید حسینی، سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران، با اشاره به وابستگی ۷۰۰ پالایشگاه جهان به نفت تولیدی خلیج فارس تأکید می‌کند که جهان تنها به نفت خام این منطقه وابسته نیست؛ بلکه میعانات گازی، گاز طبیعی مایع (LNG)، فرآورده‌های پالایشی و بخش معناداری از صادرات معدنی و پتروشیمی منطقه نیز از همین آبراهه عبور می‌کنند.

به گفته او، تحولات اخیر در خلیج فارس و اختلال در جریان صادرات از تنگه هرمز بار دیگر نشان داده است که این تنگه، نه یک مسیر حمل‌ونقل، بلکه شریان اصلی اقتصاد جهانی است؛ شریانی که با عبور روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت، در صورت مواجهه با اختلال جدی می‌تواند فشار بی‌سابقه‌ای بر بازارهای انرژی، صنایع وابسته و زنجیره‌های تأمین جهانی وارد کند.

حسینی با تشریح راهبرد ایران در مدیریت شرایط جدید، یادآور می‌شود که در اغلب جنگ‌ها، نخستین واکنش‌ها در میدان نبرد رخ می‌دهد؛ اما پیامدهای عمیق‌تر در بازارها، زنجیره‌های تأمین و محاسبات ژئوپلیتیک دولت‌ها آشکار می‌شود. تجاوز اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز از این قاعده مستثنی نیست. او توضیح می‌دهد که در آغاز درگیری، بسیاری گمان می‌کردند بحران کوتاه و محدود خواهد بود؛ اما نشانه‌های فزاینده حاکی از آن است که این بحران می‌تواند به آزمونی تعیین‌کننده برای اقتصاد جهانی و حتی نظم بین‌المللی تبدیل شود. به باور او، اقتصادهای جنگی در دو مرحله ظاهر می‌شوند: مرحله نخست که کوتاه‌مدت و فوری است، با واکنش شدید بازارها، جهش قیمت انرژی، خریدهای هیجانی و حرکت سرمایه‌گذاران به‌سوی دارایی‌های امن همراه می‌شود.

اما مرحله دوم-که در میان‌مدت شکل می‌گیرد-پرسش بنیادی‌تری را پیش می‌کشد: آیا طرف‌های درگیر واقعاً آمادگی یک رویارویی طولانی‌مدت را دارند؟ در این مرحله، صرف قدرت نظامی کافی نیست؛ استقامت اقتصادی، تاب‌آوری اجتماعی و توان انطباق با اختلالات پایدار به معیار نهایی بقا و برتری تبدیل می‌شود. این واقعیت یادآور می‌شود که تنگه هرمز نه یک نقطه جغرافیایی، که محور ثبات یا بی‌ثباتی اقتصاد جهان است.

وزن واقعی هرمز در بازار انرژی

در میانه بحران‌های اخیر منطقه‌ای، تنگه هرمز بار دیگر در کانون توجه تحلیلگران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است؛ گذرگاهی باریک که اهمیت آن اغلب با یک آمار ساده بیان می‌شود: عبور حدود ۲۰ درصد از عرضه انرژی جهان از این مسیر. با این حال، به اعتقاد برخی تحلیلگران بازار نفت و انرژی، این رقم به‌تنهایی قادر به بازنمایی عمق واقعی اهمیت این آبراهه راهبردی نیست.

به باور آنان، مسئله اصلی نه کل تولید جهانی نفت، بلکه سهمی از نفت و گاز است که واقعاً وارد بازارهای بین‌المللی می‌شود. در واقع آنچه ساختار قیمت‌ها، توازن عرضه و تقاضا و رفتار بازارهای جهانی را شکل می‌دهد، نه مجموع تولید، بلکه حجمی از انرژی است که میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در سطح جهان مبادله می‌شود؛ آنچه در ادبیات انرژی از آن با عنوان «نفت معامله‌شده» یاد می‌شود.

بر اساس برآوردها، جهان روزانه بیش از ۱۰۰ میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی تولید می‌کند؛ اما بخش قابل توجهی از این تولید در داخل کشورهای تولیدکننده مصرف می‌شود و هرگز به بازارهای جهانی راه نمی‌یابد. از همین رو، سهم نفتی که از تنگه هرمز عبور می‌کند، در مقیاس واقعی بازار انرژی وزن به‌مراتب بیشتری دارد.

در چنین چارچوبی، عبور روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز تنها یک رقم ساده نیست، بلکه بخشی تعیین‌کننده از نفت در گردش در بازارهای جهانی است؛ به‌گونه‌ای که هرگونه اختلال جدی در این گذرگاه می‌تواند نه فقط یک‌پنجم عرضه انرژی جهان، بلکه نزدیک به نیمی از نفت مبادله‌شده در اقتصاد جهانی را تحت فشار قرار دهد و تعادل بازارها را به‌شدت برهم زند.

در ادامه این تحلیل، حسینی بر بُعد گسترده‌تر پیامدهای اختلال در این گذرگاه راهبردی تأکید می‌کند و می‌گوید وابستگی جهان به تنگه هرمز تنها به نفت خام محدود نیست. به گفته او، میعانات گازی، گاز طبیعی مایع (LNG)، فرآورده‌های نفتی پالایش‌شده و بخش مهمی از صادرات مواد معدنی و محصولات پتروشیمی منطقه نیز از همین مسیر عبور می‌کنند؛ موضوعی که اهمیت این آبراهه را در ساختار اقتصاد جهانی دوچندان می‌کند.

او توضیح می‌دهد که در چنین شرایطی، هرگونه محدودیت یا اختلال در تردد از تنگه هرمز صرفاً به افزایش قیمت نفت منتهی نخواهد شد، بلکه هزینه گاز طبیعی، سوخت‌های پالایشی، حمل‌ونقل دریایی و بسیاری از مواد اولیه صنعتی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زنجیره‌ای از پیامدها که در نهایت به افزایش هزینه تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌انجامد.

به گفته این تحلیلگر بازار انرژی، پیامدهای چنین اختلالی به سرعت از بازارهای انرژی فراتر می‌رود و به بخش‌های بنیادین اقتصاد جهانی سرایت می‌کند. از کشاورزی و صنایع غذایی گرفته تا فولاد، خودروسازی و صنایع شیمیایی، همگی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به جریان پایدار انرژی و مواد

> “ سوتیتر ۲: در جهانی که زنجیره‌های تأمین به‌شدت درهم‌تنیده‌اند، اختلال در یک گلوگاه انرژی می‌تواند از صنعت پتروشیمی تا امنیت غذایی کشورها اثرات گسترده برجا بگذارد

اولیه وابسته‌اند. از این رو، هرگونه محدودیت در تردد از تنگه هرمز می‌تواند زنجیره‌های به‌هم‌پیوسته تولید و تجارت جهانی را با فشارهای قابل توجهی مواجه کند.

پالایشگاه‌های جهان و گره نفت خلیج فارس

سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی یکی از عوامل اصلی عمق و ماندگاری شوک احتمالی در بازار انرژی را محدودیت‌های فنی نظام پالایشگاهی جهان می‌داند؛ محدودیت‌هایی که به گفته او، انعطاف‌پذیری بازار نفت را بسیار کمتر از آن چیزی می‌کند که در نگاه نخست به نظر می‌رسد. به گفته سید حمید حسینی، نزدیک به ۷۰۰ پالایشگاه در جهان برای فرآورش گریدهای مشخصی از نفت خام طراحی شده‌اند و از این رو هر پالایشگاه با نوع خاصی از نفت سازگاری فنی دارد.

او توضیح می‌دهد که نفت تولیدی خلیج فارس از نظر وزن API، ترکیب شیمیایی و ویژگی‌های فنی با نفت بسیاری از مناطق دیگر جهان تفاوت دارد؛ تفاوتی که موجب شده بخش بزرگی از ظرفیت پالایش جهان بر اساس همین مشخصات طراحی و تنظیم شود. از این رو، هرچند پالایشگاه‌ها تا اندازه‌ای قادرند خوراک خود را از طریق ترکیب نفت‌ها یا اعمال تغییرات عملیاتی تعدیل کنند، اما این فرآیند نه سریع است، نه کم‌هزینه و نه در همه موارد از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر. به همین دلیل، جایگزینی گسترده نفت خلیج فارس حتی اگر در ظاهر ممکن به نظر برسد، در عمل با محدودیت‌های فنی و اقتصادی قابل توجهی روبه‌رو خواهد بود.

حسینی در ادامه تأکید می‌کند که اگر اختلال در تنگه هرمز تنها چند روز ادامه نیابد و به بازه‌ای میان‌مدت کشیده شود، آثار آن به سرعت از بازار انرژی فراتر خواهد رفت و کل ساختار اقتصاد جهانی را تحت فشار قرار خواهد داد. به گفته او، انرژی همچنان یکی از ارکان اصلی ساختار هزینه در تولید کالاها و خدمات است و جهش قیمت نفت و گاز معمولاً موجی از تورم جهانی ایجاد می‌کند؛ موجی که هزینه تولید را افزایش داده و همزمان قدرت خرید مصرف‌کنندگان را کاهش می‌دهد.

به باور این تحلیلگر بازار انرژی، برای اقتصادهای واردکننده انرژی این وضعیت دوچندان دشوار است؛ زیرا در چنین شرایطی تولید گران‌تر می‌شود، در حالی که تقاضا نیز به دلیل افزایش قیمت‌ها کاهش می‌یابد. همزمان گزارش‌های منتشرشده تا ۱۳ مارس ۲۰۲۶ نشان می‌دهد تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز به‌شدت کاهش یافته و جریان صادرات نفت تقریباً به سطحی «قطره‌ای» رسیده است. بر اساس برآورد آژانس بین‌المللی انرژی، حدود ۲۰ میلیون بشکه در روز از عرضه نفت جهان-معادل نزدیک به یک‌پنجم عرضه جهانی-با اختلال مواجه شده و همین امر قیمت نفت را بار دیگر به بیش از ۱۰۰ دلار رسانده است؛ وضعیتی که برخی تحلیلگران آن را یکی از بزرگ‌ترین شوک‌های عرضه در تاریخ بازار نفت توصیف می‌کنند.

نکته P O I N T

خلیج فارس و زنجیره جهانی غذا

کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که اختلال در یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های دریایی جهان می‌تواند تجارت کودهای شیمیایی، نهاده‌های دامی و محصولات غذایی را با بحران روبه‌رو کند

• ؟؟؟؟؟؟؟؟؟-؟؟؟؟؟؟

در پی تشدید تنش‌های نظامی در منطقه و تحت کنترل قرار گرفتن تنگه هرمز توسط ایران، نگرانی‌ها درباره بازگشت موج تازه‌ای از تورم مواد غذایی در سطح جهانی افزایش یافته است. تنگه هرمز که یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های حمل‌ونقل دریایی جهان به شمار می‌آید، نه تنها مسیر انتقال بخش بزرگی از نفت و گاز جهان است، بلکه در عمل یکی از مسیرهای اصلی جابه‌جایی کالاهای اساسی و نهاده‌های تولید غذا نیز محسوب می‌شود. از این رو هرگونه اختلال در تردد کشتی‌ها در این گذرگاه می‌تواند زنجیره تأمین جهانی غذا را با اختلال مواجه کند و پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای برای کشورهایی داشته باشد که به واردات مواد غذایی وابسته‌اند.

اهمیت تنگه هرمز در اقتصاد جهانی از آنجا ناشی می‌شود که این آبراه باریک، حلقه اتصال تولیدکنندگان بزرگ انرژی در خلیج فارس با بازارهای مصرف در آسیا، اروپا و سایر نقاط جهان است. با این حال نقش این گذرگاه صرفاً به انتقال انرژی محدود نمی‌شود. بخش قابل توجهی از تجارت کالاهای کشاورزی، نهاده‌های دامی و مواد اولیه تولید غذا نیز از مسیر همین آبراه عبور می‌کند. به همین دلیل کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که هرگونه تنش یا محدودیت در این مسیر می‌تواند علاوه بر بازار انرژی، بازار جهانی مواد غذایی را نیز دچار تکانه‌های قیمتی کند. در چنین شرایطی برخی تحلیلگران اقتصادی معتقدند که افزایش ریسک در تردد کشتی‌ها و پیچیده‌تر شدن شرایط حمل‌ونقل دریایی، نشانه‌هایی از شکل‌گیری موج تازه‌ای از تورم در اقتصاد جهانی است؛ تورمی که به‌ویژه در بخش کشاورزی و مواد غذایی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای به همراه داشته باشد.

در همین زمینه آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران، با اشاره به پیامدهای اقتصادی تنش‌های اخیر در منطقه، معتقد است که توازن انرژی در جهان دچار اختلال شده و این وضعیت می‌تواند به افزایش تورم در اقتصاد جهانی منجر شود. به گفته او، نفت تولیدی در ایران و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس بیش از ۳۵ درصد نیاز جهانی را تأمین می‌کند و از نظر کیفیت و تنوع نیز جایگاه مهمی در بازار جهانی دارد. این منابع طی دهه‌های گذشته بر اساس سازوکارهای تثبیت‌شده و فرمول‌های مشخص وارد بازارهای جهانی می‌شدند، اما تشدید تنش‌های سیاسی و نظامی در منطقه اکنون این روند باثبات را با تهدید مواجه کرده است.

نجفی همچنین به تأثیر این تحولات بر بخش کشاورزی جهانی اشاره می‌کند و می‌گوید با نزدیک شدن به فصل بهار، مصرف کود اوره در بسیاری از مناطق کشاورزی جهان افزایش می‌یابد. از این رو هرگونه اختلال در عرضه انرژی یا نهاده‌های شیمیایی می‌تواند هزینه تولید محصولات کشاورزی را بالا ببرد و به شکل‌گیری موج تورمی تازه‌ای در بازار غذا منجر شود. به گفته او حتی افزایش یک درصدی تورم در اقتصاد جهانی نیز می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای بازارهای مالی، تجارت جهانی و سطح رفاه جوامع داشته باشد.

رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران در ادامه به افزایش هزینه‌های بیمه حمل‌ونقل دریایی اشاره می‌کند؛ موضوعی که در شرایط تنش‌های ژئوپلیتیک معمولاً به سرعت افزایش می‌یابد. به گفته او پیچیده‌تر شدن شرایط حمل‌ونقل و افزایش هزینه‌های بیمه و ریسک، فشار قابل توجهی بر تجارت جهانی وارد کرده است و این روند می‌تواند در نهایت به افزایش قیمت کالاهای اساسی در بسیاری از کشورها منجر شود. نجفی هشدار می‌دهد که اگر این روند ادامه یابد، اقتصاد جهانی ممکن است با دوره‌ای از تورم فزاینده و حتی تورم‌های روزانه در برخی بازارها روبه‌رو شود؛ وضعیتی که در گذشته نیز در پی بحران‌های بزرگ اقتصادی تجربه شده است.

در کنار بازار انرژی، کارشناسان حوزه کشاورزی نیز نسبت به پیامدهای احتمالی تنش‌ها در تنگه هرمز هشدار می‌دهند. مجید قدیری، رئیس انجمن صنایع خوراک دام، طیور و آبزیان ایران، معتقد است که اهمیت این تنگه تنها به انتقال نفت محدود نمی‌شود و در واقع باید آن را شاهراه انتقال «غذای پنهان» جهان دانست. به گفته او بسیاری از نهاده‌های مورد نیاز برای تولید غذا، از جمله مواد اولیه خوراک دام، از مسیرهای دریایی عبور می‌کنند و تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین حلقه‌های این زنجیره جهانی است. قدیری توضیح می‌دهد که امنیت غذایی در خاورمیانه تا حد زیادی به تجارت جهانی وابسته است و بخش قابل توجهی از این وابستگی به واردات نهاده‌های دامی بازمی‌گردد. از آنجا که تولید پروتئین حیوانی در این منطقه به واردات گسترده ذرت، سویا و سایر مواد اولیه خوراک دام متکی است، هرگونه اختلال در مسیرهای حمل‌ونقل دریایی می‌تواند به سرعت بر قیمت و دسترسی به مواد غذایی اثر بگذارد.

به گفته او خاورمیانه یکی از بازارهای مهم مصرف گوشت مرغ در جهان به شمار می‌آید و در بسیاری از کشورهای منطقه مرغ حدود ۵۵ درصد از مصرف پروتئین حیوانی را تشکیل می‌دهد. از این رو اختلال در زنجیره تأمین نهاده‌های دامی می‌تواند به سرعت بر تولید و عرضه این محصول اثر بگذارد و در نهایت امنیت غذایی میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار دهد.

قدیری همچنین به ساختار تجارت جهانی مرغ اشاره می‌کند و می‌گوید اگرچه سهم خاورمیانه از تولید جهانی مرغ حدود ۸ درصد است، اما نزدیک به ۱۵ درصد از تجارت جهانی این محصول به این منطقه مربوط می‌شود و حدود ۱۰ درصد از رشد تولید جهانی نیز در همین منطقه رخ می‌دهد. بنابراین هرگونه تنش یا درگیری در مسیرهای تجاری می‌تواند بر جریان تجارت، قیمت نهاده‌ها و در نهایت بازار جهانی محصولات غذایی اثرگذار باشد.

وی یادآور می‌شود که محدودیت منابع آب و زمین‌های کشاورزی در بسیاری از کشورهای منطقه باعث شده است این کشورها نتوانند نیاز خود به غلات و دانه‌های روغنی را در داخل تأمین کنند. به همین دلیل واردات نهاده‌هایی مانند ذرت و سویا به یکی از پایه‌های اصلی تولید در صنایع دام، طیور و آبزیان تبدیل شده است. در چنین شرایطی اختلال در تجارت جهانی یا مسیرهای حمل‌ونقل می‌تواند به سرعت کل زنجیره تولید غذا را تحت تأثیر قرار دهد.

در سطح جهانی نیز برخی گزارش‌های اقتصادی نسبت به پیامدهای احتمالی اختلال در تنگه هرمز هشدار داده‌اند. بر اساس گزارشی که بلومبرگ منتشر کرده است، بحران همزمان در بازار انرژی و کودهای شیمیایی می‌تواند امنیت غذایی جهان را با تهدیدی جدی روبه‌رو کند. این گزارش تأکید می‌کند که کشاورزان در بسیاری از کشورها با خطر کمبود منابع تولید مواجه خواهند شد و این مسئله می‌تواند به کاهش برداشت محصولات کشاورزی در سال‌های آینده منجر شود. تنگه هرمز که میان ایران و عمان قرار دارد، شاهراه انتقال حدود ۲۰ درصد نفت خام و گاز طبیعی مایع جهان است. با این حال تحلیلگران معتقدند که اهمیت واقعی این گذرگاه تنها در انتقال سوخت‌های فسیلی خلاصه نمی‌شود. در واقع یکی از حساس‌ترین جریان‌های تجاری عبوری از این مسیر، حمل کودهای شیمیایی و مواد اولیه مورد نیاز برای تولید آن‌هاست؛ موادی که نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید محصولات کشاورزی دارند.

بر اساس داده‌های منتشرشده توسط شرکت «سیگنال گروپ»، کشورهای حوزه خلیج فارس حدود ۲۰ درصد از تجارت جهانی برخی کودهای حیاتی از جمله گوگرد، فسفات و آمونیاک را در اختیار دارند. گزارش‌های بلومبرگ نیز نشان می‌دهد که نزدیک به نیمی از اوره معامله‌شده در جهان در همین منطقه تولید می‌شود و قطر به تنهایی حدود ۱۰ درصد از عرضه جهانی این ماده را تأمین می‌کند.